

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی

مطالعه موردی شهر سنندج

دکتر رحمت‌الله بهرامی*

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۷/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۸۷/۱۲/۲۳

چکیده:

پدیده حاشیه‌نشینی به مفهوم امروزی نخست در کشورهای صنعتی همراه با رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستاییان به شهرها به وجود آمد و در کشورهای در حال توسعه نیز به دنبال برنامه‌های استعماری کشورهای صنعتی و نفوذ و اشاعه فرهنگ و تکنولوژی آنان در این کشورها شروع به رشد و توسعه نموده است. تاریخچه حاشیه‌نشینی در ایران به دهه ۱۳۴۰ شمسی بر می‌گردد. طی ۵۰ سال گذشته اغلب کلان‌شهرها و حتی شهرهای میانی با پدیده حاشیه‌نشینی مواجه بوده‌اند. مطالعه حاضر منطبق است بر شهر سنندج مرکز استان کردستان که مورد توجه مهاجرین روستایی و سایر نقاط شهری استان بوده است بطوریکه جمعیت شهری آن طی سه دهه گذشته به بیش از ۳ برابرافزایش یافته است. بنظر می‌رسد گسترش حاشیه‌نشینی در این ناحیه شهری در نتیجه فقدان کارکردهای خدماتی به نقاط روستایی بوده که عوارض آن در سیکل مهاجرت‌ها و گسترش حاشیه‌نشینی دیده می‌شود. از طرف دیگر نقش محدودیت‌های طبیعی مانند شیب، ارتفاع زیاد از سطح دریا نقاط روستایی و شرایط اقلیمی سرد و خشک منطقه در تشدید مهاجرت‌ها مؤثر بوده است. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی با رویکرد طبیعی میدانی با استفاده روش کمی و کیفی (مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه) مورد کند و کاو قرار گرفته است. همچنین از نرم افزار GIS در نمایش مناطق حاشیه‌نشین شده است. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد، مناطق حاشیه‌نشین شهر سنندج بیش از ۴۲ درصد جمعیت شهری و ۱۳/۳۲ درصد فضای مسکونی شهر را اشغال کرده‌اند. از نظر ناهنجاری (جرائم خلاف اخلاق مانند دزدی، جرم) ۵۶ درصد نزاع‌های دسته‌جمعی، ۶۴ درصد معتادان، ۵۳/۳۰ درصد و بیش از ۷۵ درصد دستفروشی‌ها و ۳۴ درصد جرائم جنسی از افراد حاشیه‌نشین هستند.

واژه‌های کلیدی: حاشیه‌نشینی، سنندج، امنیت اجتماعی، مهاجرت.

* دکترای مهندسی معدن، عضو هیات علمی مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن

پدیده حاشیه نشینی ریشه در تاریخ اجتماعی انسانها دارد و تبلور آن در قالب گتوهای نژادی، مذهبی بوده است. و در جوامع کهنسال از آن تحت عنوان سکونتگاههای فقیر نام برده‌اند. این پدیده به مفهوم امروزی، نخست در کشورهای صنعتی همراه با رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستاییان به شهرها به وجود آمده است. در کشورهای در حال توسعه نیز به دنبال برنامه های استعماری کشورهای صنعتی و نفوذ و اشاعه فرهنگ و تکنولوژی آنان در این کشورها شروع به رشد و توسعه نموده است (ربانی، ۱۳۸۱: ۷۶).

پدیده حاشیه نشینی را برای اولین بار در جهان غرب روبروت ا.سی. پارک آمریکایی از سردمداران جامعه شناسی شیکاگو، شاگرد جرج زیمل و نیز ایورت استونگویست، شاگرد پارک تحت عنوان مهاجرت انسانی و منازل حاشیه نشین مورد مطالعه قرار دادند

پدیده حاشیه نشینی را برای اولین بار در جهان غرب روبروت ا.سی. پارک آمریکایی از سردمداران جامعه شناسی شیکاگو، شاگرد جرج زیمل و نیز ایورت استونگویست، شاگرد پارک تحت عنوان مهاجرت انسانی و منازل حاشیه نشین مورد مطالعه قرار دادند. از نظر آنها، انسان حاشیه نشین شخصیتی است که از حاصل برخورد یا پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احیاناً متخاصم ظهور می یابد. بنظر آنها حاشیه نشین آشنای بیگانه ای است که نسبت به دو نظام فرهنگی احساس بستگی و تعلق دارد ولی در عین حال خود را

نسبت به هیچکدام کاملاً متعلق و متمایل نمی داند. (بیات، ۱۳۸۴: ۸).

چارلز آبرامز حاشیه نشینی را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته است. و نیز حاشیه نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. جاذبه شهر نشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطبهای صنعتی و بازارهای کار می کشاند و اکثر آنها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می شوند (پیران، ۱۳۶۶: ۹).

چارلز آبرامز حاشیه نشینی را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته است. و نیز حاشیه نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند

از سال ۱۹۵۰ بحث های مرتبط با حاشیه نشینی در جهان و به خصوص جهان سوم به صورتی گسترده مطرح شد. تاریخچه مطالعات مربوط به حاشیه نشینی در ایران به دهه ۱۳۴۰ شمسی بر می گردد (پیران، ۱۳۶۶: ۳۵). طی ۵۰ سال گذشته اغلب کلان شهرها و حتی شهرهای میانی از نظر سطح جمعیتی ایران از جمله تهران، اصفهان، تبریز، کرج و همچنین شهرهای میانی مانند سنندج، زاهدان، بندرعباس با پدیده حاشیه نشینی مواجه بوده‌اند (پارسا، ۱۳۸۳: ۴۵). هم اکنون ۳۴ درصد از جمعیت حاشیه نشین کل

کشور در حاشیه کلان شهرها استقرار یافته‌اند که روز به روز بر تعداد آنها اضافه می‌شود، عدم پویایی مدیریت شهری در کلان شهرهای ایران نیز مزید بر علت شده تا حاشیه شهرها همانند متن شهر ارتقای عمرانی پیدا نکند (درستی، ۱۳۸۵، ۵). به همین دلیل هم اکنون از لحاظ عمرانی بعضی از نقاط کلان شهرها هیچ فرقی با حاشیه خود ندارند و از لحاظ جمعیتی نیز، افزایش روز افزون جمعیت حاشیه نشین باعث می‌شود که در آینده‌ای نه چندان دور حاشیه و متن از هر لحاظ برابر شوند. تبعات حاشیه نشینی و معضلات ملی حاشیه نشینی در ایران براساس دلایل بشمارای اکنون یک معضل ملی محسوب می‌شود که با ادامه روند فعلی بی شک به یک فاجعه ملی منجر خواهد شد. ابعاد معضلاتی که حاشیه نشینی باعث نشو و نمای آنها شده است، بسیار فراتر از عدم هماهنگی در بافت فیزیکی شهرها است. حاشیه نشینان که متشکل از مهاجران روستایی هستند که از روستا به شهر روی آورده‌اند حامل خصلت‌های اجتماعی communal هستند که با خصایص اجتماعی social شهر هیچ سنخیتی ندارد.

طرح مسئله

حاشیه نشینی خصلت شهرنشینی و شهرنشینی از خصلت‌های عمده جامعه صنعتی است (ربانی، ۱۳۸۱، ۶۵). شهرها همواره مرکز ثقل توسعه درکشورها تلقی می‌شوند. در کشورهای در حال توسعه معمولاً بسیاری از امکانات زندگی در شهرهای بزرگ خلاصه می‌شوند و همین امر باعث رشد بی رویه شهرنشینی در اثر مهاجرت روستائیان به شهرهای کوچک و بزرگ می‌گردد.

اصولاً مهاجرت‌های روستایی در مناطق کمتر توسعه یافته، از یک روند نسبتاً شدید برخوردار است. استان کردستان نیز از جمله استان‌های توسعه نیافته کشور است که از این قاعده مستثنی نبوده که طی سه دهه گذشته رشد جمعیت شهری آن به سه برابر افزایش یافته است. روند شهرنشینی در سندج طی دهه گذشته معادل ۷/۶ درصدی بوده است. شهر سندج همانند سایر شهرهای کشور با معضلات و مسائل شهری همچون حاشیه نشینی، فقر فرهنگی، رشد ناموزون، افزایش جرم و جنایت، بروز مشاغل انگلی و کاذب و غیره روبرو است. همچنین این شهر به علت گذران هشت سال جنگ ایران و عراق (۶۷-۱۳۵۹) و تاثیر آن بر بافت شهری با مسائلی فراتر از شهرهای دیگر نیز مواجه بوده است. وجود معضلات شهری نه تنها چشم انداز شهر را ناموزون کرده بلکه به عنوان مانعی در راه اجرای طرح‌های تفصیلی و جامع شهری به حساب می‌آیند.

چهارچوب نظری تحقیق

در زمینه تعریف و علل حاشیه نشینی نظریات مهمی مطرح گردیده که در این بخش به پاره ای از آنها پرداخته می‌شود:

از دیدگاه پیروان مکتب وابستگی و نظام جهانی، نظام سرمایه داری جهانی در شکل‌گیری شهرنشینی و پیدایش حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه موثر بوده است. از دیدگاه طرفداران نئوسوسیالیزم شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه حاصل تضاد میان کار و سرمایه، تمرکز و انباشت سرمایه و رشد ناموزون اقتصاد و تضادهای اجتماعی منجر به پیدایش حاشیه نشینی و ایجاد گروه‌های حاشیه‌ای در جامعه

جمعیت برای بدست آوردن منابع اقتصادی و اجتماعی برتر ناچار به انتقال از نقطه‌ای به نقطه دیگر نخواهد بود. تجربه جهانی نشان داده است اساسی‌ترین و مهمترین گام داشتن طرح و برنامه‌ریزی‌های راهبردی و جامع برای توسعه کشور است.

تعریف موضوع

از آنجا که حاشیه نشینی را برآیند انقلاب صنعتی می‌دانند، اندیشمندان مختلف در علوم متفاوت به این موضوع پرداخته اند و دیدگاههایی در این زمینه دارند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

دیدگاه حسین شکویی که با نگرش جغرافیایی به موضوع می‌پردازد: مناطق حاشیه نشین، منطقه‌ای از شهر است که واحدهای مسکونی روبه ویران، فرسوده و تجهیزات ناقص داشته و فرهنگ فقر، جدایی‌گزینی توده‌ای مردم روستایی از جامعه شهری، گوشه‌گیری و انزوا بر آنها غلبه یافته است (شکویی، ۱۳۵۴: ۹۸).

زاهد زاهدانی با نگرش علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی به این موضوع می‌پردازد و معتقد است که حاشیه‌نشینان افرادی هستند که در حاشیه و اطراف شهر زندگی می‌کنند ولی جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر نشده اند (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۱).

حسین زاده دلیر معتقد است: که حاشیه نشین به نوعی شیوه زندگی اطلاق می‌گردد که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی شهر، روستایی، عشایری متفاوت بوده و با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مخصوص به خود بافت فیزیکی معینی را بوجود می‌آورد (حسین زاده دلیر، ۱۳۶۱: ۶۳).

شهری کشورهای در حال توسعه شده است (کریمی، ۱۳۸۲: ۵).

از دیدگاه طرفداران **مکتب نوسازی** به تحولات درونی جامعه بر اثر وقوع پدیده‌های مدرن مانند توسعه صنعتی، افزایش جمعیت و مهاجرت به شهرها در نتیجه بروز مشکلاتی مانند کشمکش و ستیز اجتماعی برای آن دسته از مهاجرانی که قادر به تطبیق با هنجارهای زندگی مدرن شهری نبودند، می‌پردازند و معتقدند با شروع توسعه برون زای کشور روابط سنتی نظام معیشتی گسیخته و فرو پاشیدند و ناتوانی زیر ساختها و الگوی متمرکز مصرف، سبب تمرکز فوق العاده در شبکه‌های شهری گردیده است (ابراهیم زاده، ۱۳۸۳). از دیدگاه مکتب مسئله‌گرایان پدیده حاشیه‌نشینی در نتیجه کارکرد ناقص و مدیریت غلط شهری جستجو می‌گردد (شیخی، ۱۳۸۱: ۶۵).

با مروری بر تمامی نظریاتی که به مسئله حاشیه نشینی پرداخته است می‌توان گفت مهمترین عامل موثر بر وقوع و گسترش این پدیده مشکلات اقتصادی است چه در نظریه‌های مبتنی بر مهاجرت، به دنبال کسب درآمد بالاتر به حاشیه شهرها پناه می‌برند و چه در نظریه‌های مبتنی بر بوم‌شناسی که جدایی‌گزینی اجتماعات شهری را به توان اقتصادی هر یک از گروه‌ها در تامین مسکن و زمین نسبت می‌دهد، عوامل اقتصادی نقش کلیدی را در ظهور و گسترش حاشیه نشینی بازی می‌کنند. لذا به منظور کنترل و در صورت امکان حذف این پدیده باید به ایجاد تعادل فضایی (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی) در سطح مناطق دست یازید و ارائه برنامه‌های توسعه را متناسب باتوانها و امکانات موجود آنها تدوین نمود. در صورت تهیه چنین برنامه‌هایی تعادل فضایی در بین تمامی مناطق برقرار خواهد شد و

مارشال کلینارد معتقد است حاشیه‌نشین کسی است که دارای خرده فرهنگی با مجموعه‌ای از ارزشها و هنجارهاست که در محل‌هایی با بهداشت کم، با انحرافات اجتماعی و ویژگیهای دیگر، از جمله انزوای اجتماعی همراه است (کلینارد، ۲۱، ۲۰۰۱).

پیران معتقد است که انسان حاشیه‌نشین، شخصیتی است که از حاصل برخورد با پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احیاناً متخاصم ظهور می‌کند. چنین فردی در زمان واحد نسبت به هر دو نظام فرهنگی احساس تعلق و بستگی خاطرنموده ولی درعین حال خود را نسبت به هیچکدام متعلق و متمایل نمیداند (پیری، ۵، ۱۳۸۴).

ادبیات تحقیق

از آنجا که پدیده حاشیه‌نشینی در ابتدا توسط جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان شهری بیشتر مورد مطالعه قرار گرفته، رویکرد حاکم بر مطالعات آنها در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی بوده است. رشد سریع و ناهمگون شهرنشینی در ایران، پدیده حاشیه‌نشینی را ابتدا در تهران و سپس در سایر کلانشهرها و شهرهای میانی کشور شکل گرفت. در سال ۱۳۵۰، بنابر درخواست سازمان برنامه و بودجه، طرح وسیعی برای مطالعه بررسی وضعیت حاشیه‌نشینی در کشور، توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران آغاز گردید. این طرح با مطالعه وضعیت حاشیه‌نشینی تهران شروع و سپس سایر شهرهای بزرگ کشور چون، بندرعباس، همدان، کرمانشاه و اهواز را نیز شامل شد.

احمدی و ایمان (۵؛۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل بر تمایل حاشیه‌نشینی بر رفتار بزهکارانه، به بررسی تاثیر فرهنگ فقر حاکم بر خانواده‌های حاشیه‌نشین شهر شیراز بر تمایل جوانان

به رفتار بزهکارانه می‌پردازد. نکته مورد توجه در این پژوهش انتخاب برخی حوزه‌های سکونتی جنوب شیراز که به لحاظ وضعیت اقتصادی مشابه جامعه مورد مطالعه می‌باشد بعنوان گروه مقایسه به منظور آزمون رابطه فقر با بزهکاری جوانان است. یافته‌های حاصل از تجزیه پراکنش دو سویه بیانگر رابطه معنادار بین حاشیه‌نشینی و مولفه‌های فرهنگ فقر با رفتار بزهکارانه و تعامل بین حاشیه‌نشینی و مولفه‌های فرهنگ فقر در رابطه با رفتار بزهکارانه جوانان می‌باشد.

در سال ۱۳۵۰، بنابر درخواست سازمان برنامه و بودجه، طرح وسیعی برای مطالعه و بررسی وضعیت حاشیه‌نشینی در کشور، توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران آغاز گردید

کرامتی (۱۲، ۱۳۸۲) در بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه‌نشینان شهرستان‌های استان تهران، ۸۰ درصد مشکلات حاشیه‌نشینی را مشکل خدماتی عنوان می‌کند.

بیانلو (۵؛۱۳۸۵) به بررسی رابطه بین عوامل جمعیت شناختی و بوم شناختی با نوع و نرخ جرم و شناسایی نقاط جرم خیز و جرایم خاص هر منطقه از مناطق هشت گانه شهر شیراز پرداخته است. نتایج تحقیقات او نشان داد که متغیرهای جنسیت، تاهل، ملیت، محل تولد و محل زندگی ماههای دستگیری رابطه معناداری با نوع جرم دارد و همچنین رابطه تراکم جمعیت با متغیرهای نرخ قتل، جعل اسناد،

- ۲- بین حاشیه حاشیه نشینی و کارکردهای خدمات روستایی همبستگی مستقیم وجود دارد.
- ۳- بین حاشیه نشینی و امنیت اجتماعی یک رابطه مستقیمی وجود دارد.

روش تحقیق

بررسی حاشیه نشینی به عنوان چالشی فراروی توسعه پایدار و امنیت شهری تلقی می گردد. در این ارتباط علل مکانیسم و پیامدهای حاشیه نشینی در شهر سنندج با استفاده از رویکردهای کمی و کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. تکنیک تحقیق با استفاده از نقشه شیب شهرستان و استان، نقشه توپوگرافی و روش پیمایشی که در آن پرسشنامه ای تهیه و به تعداد ۴۷۰ پرسشنامه بصورت نمونه گیری در سطح مناطق حاشیه نشین شهر توزیع و تکمیل گردیده است. علاوه بر این از تکنیکهای کیفی مانند مصاحبه آزاد و عمیق به صورت میدانی با مسئولین مختلف اداری مانند سازمان ملی و مسکن؛ پاسگاه های انتظامی مستقر در مناطق حاشیه نشین؛ مدیران مدارس و مراکز بهداشتی به عمل آمده است. سپس با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی مناطق حاشیه و بافت فرسوده شهری سنندج مشخص گردیده است.

منطقه مورد مطالعه

تحقیق انجام شده مربوط به شهر سنندج مرکز استان کردستان است که در نقشه جغرافیایی بشکل طولی از شمال به جنوب کشیده شده است. این شهر در سال ۱۳۸۵ دارای جمعیتی معادل ۴۱۷۱۷۷ نفر جمعیت معادل ۲۹ درصد جمعیت کل استان و ۴۱/۶

کلاهبرداری و سرقت های عادی معنی داری است (زاهدانی، ۱۶، ۱۳۶۹).

مافی (۲۱، ۱۳۷۸) در پژوهشی با روش اسنادی و کتابخانه ای و با فرض اینکه عامل اقتصادی نقش تعیین کننده ای در ارتکاب جرم و جنایت دارد به بررسی رابطه مهاجرت با بزهکاری در شهر وین می پردازد. یافته های این تحقیق نشان می دهد که ارتکاب جرم و جنایت رابطه نزدیک با مهاجرین خارجی در محلات فقر نشین و از رونق افتاده دارد.

ربانی، رسول و همکاران طی انجام تحقیق میدانی در منطقه ارزنان و دارک اصفهان به نتایج زیر دست یافت که میان حاشیه نشینی و پدیده مشارکت اجتماعی و همچنین حاشیه نشینی و فقر ارتباط مستقیم وجود دارد.

محمودی (۱۹، ۱۳۷۲) تحقیقی در زمینه حاشیه نشینان محله تقشقان سنندج به عمل آورد و نتایج حاصله از تحقیق بیان رابطه معنا دار بین مهاجرت و فقر اقتصادی بوده است.

از آنجا که پدیده حاشیه نشینی یک مسئله فراگیر و دامنگیر مراکز شهری گردیده و در آن مباحث و موارد جدیدتری کشف و ضبط می گردند، لذا محققین هریک با رویکردی به این مقوله نگاه می کنند. ما نیز در این پژوهش بر آنیم تا اینکه در ابتدا تصویری از این پدیده و مناطق حاشیه ای شهر سنندج را به نمایش گذاشته و سپس با رویکرد امنیت اجتماعی به موضوع، مورد توجه و بررسی قرار دهیم.

فرضیه تحقیق عبارتند از:

- ۱- بین حاشیه نشینی و عوامل طبیعی مانند شیب، ارتفاع و ناهمواری ارتباط مستقیم وجود دارد.

درصد جمعیت نقاط شهری را به خود اختصاص داده است.

مساحت محدوده شهر سنندج ۳۶۸۸/۶ هکتار؛ مساحت بافت ساخته شده شهر ۲۱۸۷/۸ هکتار است. مساحت بافت خالی ۱۵۰۰/۷۷۰۳ هکتار می باشد. بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ جمعیت شهر سنندج برابر ۳۱۶۸۶۲ نفر بوده (مرکز آمار ایران؛ ۱۳۸۳).

ویژگی حاشیه‌نشینان

۱- به موازات رشد بی رویه شهرنشینی در کشور، سکونتگاههای نامتعارف و حاشیه‌ای نیز به سرعت ایجاد شده و رشد یافته‌اند. این سکونتگاهها اغلب دارای ویژگی‌های زیر هستند:

۲- به دلیل نداشتن پروانه ساختمان و تبعیت نکردن از برنامه‌ریزی‌های رسمی شهرسازی ایجاد مسکن توسط حاشیه‌نشینان شتابزده بوده و مجموعه‌ای از ساختمان‌های نابسامان را بوجود می‌آورند.

۳- جمعیت مناطق حاشیه‌نشین افرادی کم درآمد و فقیر و غالباً مهاجرین روستایی می‌باشند.

۴- از نظر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با جمعیت شهری تمایز دارند (زاهد زاهدی، ۱۳۶۹).

۵- محیطی با کیفیت پایین و کمبود امکانات شدید و خدمات زیر بناهای شهری و تراکم بالای جمعیت (سازمان عمران و بهسازی شهری، ۱۳۸۱، ۱۲).

۶- عامل توسعه فرهنگ فقر در شهر هستند (بریمانی، ۱۳۸۳، ۱۱).

۷- از نظر کالبدی معماری و شهرسازی یک محله درهم و برهم و فاقد خیابانهای منظم و کوچه بندی هستند.

۸- در معرض انواع آسیبها و بیماریهای اجتماعی، کج رفتاری و اختلالات رفتاری قرار دارند (پیران، ۱۳۶۶).

۹- از نظر جمعیتی بافتی ناهمگون از نظر قومی، مذهبی و ... و ساختی جوان و اغلب بی سواد هستند.

ویژگی‌های حاشیه‌نشینی مجموعه‌ای با گزینه‌های نامطلوب مانند فرسودگی ساختاری، افسردگی، فقر فرهنگی و اقتصادی، تراکم بالای جمعیتی و مسکونی، ناهنجاریهای رفتاری و ساختمان‌های فاقد شکل و نقشه، کیفیت نامطلوب خدمات و بهداشت و نظایر آن مشخص می شود

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که ویژگیهای حاشیه‌نشینی مجموعه‌ای با گزینه‌های نامطلوب مانند فرسودگی ساختاری، افسردگی، فقر فرهنگی و اقتصادی، تراکم بالای جمعیتی و مسکونی، ناهنجاریهای رفتاری و ساختمانهای فاقد شکل و نقشه، کیفیت نامطلوب خدمات و بهداشت و نظایر آن مشخص می شود.

مناطق حاشیه‌نشین شهر سنندج

نتایج بدست آمده از نقشه شماره ۱ نشان می‌دهد، سنندج دارای ۱۳ محله حاشیه نشین است که بر اساس موقعیت استقرار عبارتند از زور آباد؛ محله غفور در مرکز و غرب؛ عباس آباد؛ محله ۲۵؛ ۱۷ شهرپور؛ تفتقان، کانی‌کوزله؛ جورآباد در شمال شهر، حاجی‌آباد بالا و پایین؛ در شمال غربی و فرجه؛ قشلاق در شرق؛ قرادیان در جنوب شهر سنندج می‌باشد. این مناطق حاشیه نشین بیش از ۱۳/۳۲

زیاد و بعضاً با درگیری‌ها و نا امنی‌هایی همراه خواهد بود که می‌تواند به یک بحران سیاسی تبدیل گردد.



شکل شماره ۱- نمایی از مناطق مسکونی محله تقنقان حاشیه‌ای سنندج



شکل شماره ۲- نمایی از مناطق حاشیه نشین شهر سنندج - محله ۲۵

در این بخش به بررسی عوامل موثر بر حاشیه‌نشینی در شهر سنندج می‌پردازیم:

۱- محدودیت‌های طبیعی و نقش آن در

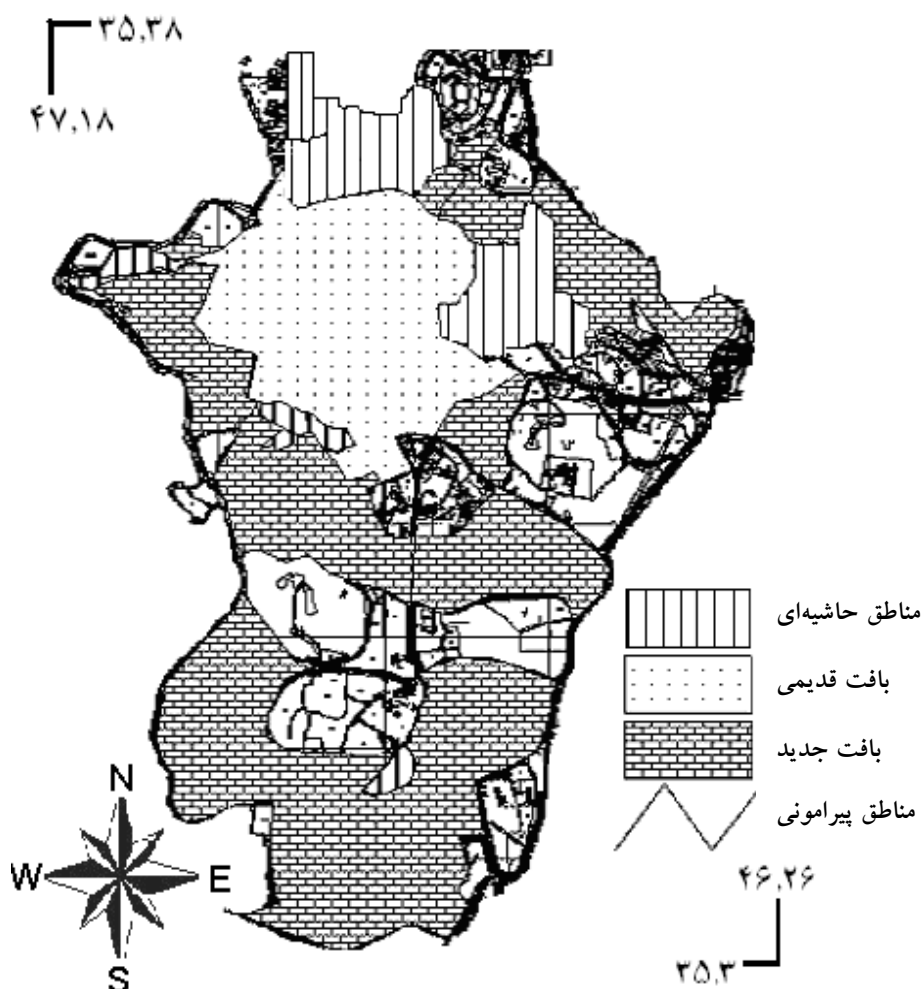
مهاجرت‌های روستایی و حاشیه‌نشینی

بطور کلی استان کردستان دارای پهنه گوناگون طبیعی چه از لحاظ توپوگرافی و چه از نظر اقلیم و آب و هوا می‌باشد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد

درصد فضای مسکونی شهر سنندج را تصرف کرده‌اند. ۲۴/۵ درصد مساحت مسکونی شهر دارای بافت قدیم و ۶۲/۲ درصد فضای شهر دارای بافت جدید می‌باشد. لازم به ذکر است که روند توسعه شهری سنندج طی سال‌های اخیر بطرف جنوب غربی شهر بوده که بدون احتساب این بافت جدید شهری حدود ۳۵ درصد فضای مسکونی شهر حاشیه‌نشین می‌باشد. هرچند شهرکهای جدیدی ساخته شده‌اند اما هنوز وابستگی کامل بین شهرکها و مناطق مرکزی شهر دیده می‌شود. به عبارت دیگر شهرک‌های جدید از نظر امکانات و خدمات به مرز خود کفایی نرسیده و نسبت به مناطق مرکزی وابستگی تام دارند.

توسعه شهر ناموزون شهر سنندج را می‌توان در بالا بودن نرخ رشد جمعیت شهری و مهاجرتی دانست که طی دهه گذشته کودکان دیروز، جوانان امروزی هستند که تشکیل خانواده داده‌اند و برای سرپناه خود لاجرم به دلیل کمبود زمین در محدوده شهر و در آنسوی مناطق حاشیه‌نشین اقدام به ساخت و ساز کرده‌اند. روند توسعه شدید شهری در سنندج به گونه‌ای است که امروزه مناطق و محلات حاشیه نشین حاشیه نشین مانند محلات غفور، قرادیان، کمیز، حاجی آباد پایین، عباس آباد و ... بخشی از هسته مرکزی شهر شده‌اند. نقشه شماره ۱ پهنه بندی مناطق مسکونی و شکل شماره ۱ و ۲ مناطق مسکونی حاشیه شهر سنندج را نشان می‌دهد.

بطور کلی پراکندگی هلالی مناطق حاشیه‌نشین، چشم‌انداز شهر سنندج را بهم ریخته نشان می‌دهد. بی‌شک وجود چنین مناطقی ارائه خدمات رسانی و توسعه فضایی شهری را برای برنامه‌ریزی آن سلب کرده و از نگاه دیگر تخریب چنین مناطقی مستلزم هزینه‌های



نقشه شماره ۱: پهنه بندی مناطق مسکونی شهر سنندج

موقعیت کوهپایه‌ایی استقرار دارند. از منظر ارتفاعی ۵۶ درصد از کل آبادیهای شهرستان در ارتفاع بیش از ۱۷۰۰ متر از سطح دریا استقرار دارند (بهرامی؛ ۱۳۸۳، ۹۸).

بر اساس نقشه توپوگرافی و برآورد شیب زمین با استفاده از نقشه‌های پوششی ۱/۲۵۰۰۰۰ نشان می‌دهد که ۲۹/۹ درصد مساحت شهرستان دارای شیب کمتر از ۵ درصد و ۲۸/۱ درصد دارای شیب بین ۱۰ تا ۱۵

که حدود ۷۰ درصد مساحت استان را کوهها و تپه‌ها تشکیل می‌دهد و نزدیک به ۱۲/۵ درصد از اراضی نیز شامل فلاتها و تراس‌های فوقانی می‌باشند که در مجموع نزدیک به ۸۵ درصد کل مساحت استان را کوهستان و فلات تشکیل می‌دهد (گزارش اقتصادی، اجتماعی، ۱۳۸۲، ۱۵).

از نظر تیپ استقرار سکونتگاه‌های روستایی؛ بیش از ۷۹ درصد در موقعیت کوهستانی و ۲۰/۹۵ درصد در

شهر سنندج ایجاد کرده و نظر هر گردشگر و شهروندی را به خود جلب می کند. محاسبات انجام گرفته از روی نقشه شماره ۱ نشان می دهد که ۲۴/۵ درصد از سکونتگاههای شهری دارای بافت فرسوده و قدیمی و ۱۳/۳۲ درصد دیگر فضای سکونتگاهی دارای بافت حاشیه نشین می باشد.

یافته های میدانی نیز نشان می دهد کارکرد حاشیه نشینان در بخش مرکزی شهر سنندج موجب تمرکز و استقرار بیش از ۷۵ درصد دستفروشی ها در امتداد مسیر میادین (انقلاب و آزادی) و خیابان هایی که به میادین اصلی شهر سنندج منتهی می گردند؛ شده است. تمرکز بیش از حد دستفروشی ها در پیاده روها و ترافیک شهری آلودگی صوتی و عبور و مرور عابرین را دو چندان کرده و چشم انداز کانونی شهر را به یک کانون دستفروش ها تبدیل شده است.

۳- سیمای اقتصادی و کارکردی

کیفیت زندگی در مناطق شهری در مقایسه با سطح زندگی روستاییان بهتر و دسترسی به انواع خدمات اجتماعی و اقتصادی اساسی، بیشتر است و این یکی از دلایل گرایش تاریخی روستاییان به سکونت در شهر است، زیرا هجوم روستاییان به شهر بویژه کلانشهری مانند سنندج در سطح منطقه ای برای دستیابی به همین امکانات و برخورداری هاست. در شهر سنندج مانند سایر مناطق کشور بین مهاجرت و حاشیه نشینی از یک سو و رونق اقتصادی شهرها از سوی دیگر رابطه وجود دارد، عبارت کلی تر می توان گفت که روند و شدت مهاجرت در مناطق روستایی به درجه موفقیت و توانایی برنامه ریزی های مقامات دولتی برمی گردد. هرچه برنامه ریزی ها

درصد و ۴۱/۹ درصد دارای شیب بالای ۳۰ درصد می باشد (فرهودی، ۱۳۸۲، ۴۹).

در زمینه زمینهای زراعی منابع آماری نشان می دهد که ۱۷/۷۴ درصد از خانوارهای بهره بردار از زمینهای زراعی استان کمتر از ۰/۶۷ درصد زمینهای زراعی و ۳۵/۵۶ درصد دیگر خانوار بهره بردار حدود ۹/۶ درصد زمینهای زراعی را در اختیار دارند، بعبارتی روشتر ۵۳/۳۰ درصد خانوار بهره بردار حدود ۱۰/۲۷ درصد زمینهای زراعی را در اختیار دارند (آمار نامه استان، ۱۳۸۴). و از همه مهمتر بیشتر زمینهای زراعی بصورت دیم کشت می گردد.

نکته مهم دیگر فاصله زیاد روستاها نسبت به یکدیگر است. منابع آماری نشان می دهد که ۶۷/۳۳ درصد از روستاهای استان بیش از ۲۰ کیلومتر از یکدیگر فاصله دارند (آمار نامه استان، ۱۳۸۵، ۳۶). در کنار این موضوع به ضعف شبکه راههای ارتباطی اشاره داشت. ۲۴/۵۱ درصد از آبادیها دارای راه ارتباطی شوسه، ۴۶/۲۱ درصد از آبادیهای استان دارای راه ارتباطی خاکی است.

بنابراین محدودیت های طبیعی مانند شیب زیاد، توپوگرافی و ارتفاع زیاد از سطح دریا، کمبود زمین زراعی، در روند مهاجرت های روستایی و به تبع آن گسترش حاشیه نشینی بی تاثیر نبوده است.

۲- چشم انداز شهری

عمده ترین نماد جهانی حاشیه نشینی سیمای نامطلوب آن است که احساس و وجدان و دیدگان هر آدمی را می آزارد. بافت فرسوده و ساخت ناموزون و متراکم ساختمانهای مسکونی همراه با گذرگاههای پر پیچ و خم و کم عرض، و استقرار آنها بر روی تپه ماهورهای شهر کمربندی هلالی بر روی تپه ماهورهای

کارکردی و کاربردی تر باشند روند مهاجرتها کاهش می یابد و بالعکس.

بنابراین یکی از فاکتورهایی که روند حاشیه نشینی را در شهر سنندج تشدید کرده است کمبود امکانات و خدمات زیربنایی و عمومی در روستاهاست. در سال ۱۳۸۳ در بخش شبکه های زیربنایی ۳۸/۲ درصد از شبکه راههای روستایی خاکی؛ ۲۷/۷ درصد شنی درجه ۳؛ ۱۱/۸ درصد شنی درجه ۲؛ ۹/۷ درصد شنی درجه یک و تنها ۱۴/۶ درصد آسفالت و ۴/۸ درصد دیگر در مسیر بین شهری قرار داشته اند (بهرامی، ۱۳۸۳، ۵۴). در بخش خدمات دولتی مانند خانه بهداشت؛ درمانگاه، خدمات آموزشی در مقطع راهنمایی؛ دبیرستان و دهرداری ها به ترتیب ۲۳؛ ۵؛ ۳۷؛ ۱۰؛ و ۵ درصد از روستاهای شهرستان برخوردار بوده اند. بعبارتی بیش از ۶۶/۳ درصد از روستاهای سنندج دارای خدمات کارکرد کمتر از ۶ خدمات را داشته اند. ۱۷/۹ درصد دارای کارکردی بین ۶ تا ۱۰ و بالاخره ۲۲/۷۶ درصد از روستاها دارای کارکردی بین ۱۰ تا ۱۵ کارکرد خدماتی داشته اند (بهرامی، ۱۳۸۳، ۱۵).

کیفیت زندگی در مناطق شهری در مقایسه با سطح زندگی روستاییان بهتر و دسترسی به انواع خدمات اجتماعی و اقتصادی اساسی، بیشتر است و این یکی از دلایل گرایش تاریخی روستاییان به سکونت در شهر است

طبیعی است که مهمترین اثرات کمبود امکانات و خدمات، نیازمندیهای مردم را روز بروز بیشتر می کند و روستایی نیز برای تامین نیازهای روزانه خود مهاجرت شهری را انتخاب می کند. از طرفی نیز مهاجرین

روستایی به دلیل عدم تخصص و آشنایی با اصول فنی و یا خدماتی خاص جذب مشاغل کاذب می شوند. این نوع مشاغل هم به دلیل عدم تداوم و پایداری از درآمد کافی برخوردار نبوده و برای تامین مایحتاج خود به مشاغلی مانند جرم و جنایت؛ مشروبات الکلی؛ مواد مخدر و ... می پردازند. نتایج تحقیقات میدانی نشان می دهد که حدود ۲۶/۶ درصد افراد حاشیه نشین دستفروش تحصیلات زیر دیپلم و ۱۰/۷ درصد دیپلم داشته اند. مهم تر آنکه ۷۷ درصد جرایم شهری سنندج توسط همین افراد حاشیه نشین صورت می گیرد.

۴- وجود خرده فرهنگها و ناهنجاریهای

اجتماعی

از ویژگی های بارز حاشیه نشینان در تمامی مناطق دنیا بالا بودن حجم جمعیت و جوان بودن آنهاست، نتایج تحقیقات نشان می دهد، ۷۴ درصد رؤسای خانواده های حاشیه نشین سنندج جوان بوده و بعد خانوارها آنها بیش از ۵/۲ نفر و در یک فضای مسکونی کمتر از ۱۰۰ متر مربع زندگی می کنند.

از نظر بافت فرهنگی نیز نتایج یافته ها نشان می دهد که در مناطق حاشیه نشین سنندج دارای خرده فرهنگهای خاص روستایی است که از روی اجبار و اکراه با همدیگر یک نوع همزیستی را دارند (مانند مهاجرین ناحیه شرق سنندج که بنام نیلاقی معروفند [دهگلان] بامهاجرین بخش شرقی استان شامل روستاهای ناحیه کلاترزان، و ژاوه رود). این خرده فرهنگهای روستایی بسیار دیر جذب فرهنگ شهری می گردند و از طرف دیگر تفاوتهای فرهنگی توأم با فقر فرهنگی آنها با ناسازگاری و تنش هایی همراه است. بررسی ها نشان می دهد که ۳۶ درصد نزاع های

را تهدید می کنند و چه بسا امنیت ملی و منطقه ای را زیر سوال ببرند. غالباً با گسترش حاشیه نشینی طیف مرفه شهری و تحصیکردهها در ابتدا با پدیده جداگیزی در سطح شهر و سپس از فضای شهری مهاجرت می کنند.

نتیجه گیری

حاشیه نشینی پیش از آنکه یک مسئله طبیعی باشد، یک مسئله اجتماعی و اقتصادی است که برخی جوامع شیوه حل و مقابله با آن را آموخته اند و برخی دیگر هنوز از مقابله با آن عاجزند. آنچه حاشیه نشینی را به فاجعه تبدیل می کند محدودیت های طبیعی نیست بلکه فقدان برنامه ریزی منطقی انسان در برخورد با محیط است که آن را به یک فاجعه ملی یا منطقه ای تبدیل می کند.

پدیده حاشیه نشینی نه تنها در شهرهای بزرگ مشکل آفرین شده بلکه در سطح شهرهای میانی مشکلات برنامه ریزی شهری و امنیت اجتماعی شهرها را دو چندان کرده اند

حاشیه نشینی از پیامدهای برنامه ریزی های توسعه ناموزون در نظام اقتصاد منطقه ای است. مشکل اصلی در نظام برنامه ریزی ما به این مسئله بر می گردد که ما در مباحث نظری توسعه از آن بخوبی دفاع می کنیم اما در ارائه راهبرد و عملیاتی کردن برنامه ها فاصله زیادی داریم. این بدان معناست که مدیران نتوانسته اند الگوهای توسعه را بشکل نهادینه در متن جامعه جا بیندازند. بدان جهت است که معتقدیم که مشکل حاشیه نشینی قبل از آنکه یک

افراد حاشیه نشین سنندج در نتیجه اختلافهای فرهنگی می باشد. عدم انطباق خرد فرهنگها با مدنیت شهری، عدم اشتراک مساعی و احساس مسئولیت در قبال همدیگر، نزاع های دسته جمعی را بوجود آورده و امنیت شهر را به مخاطره انداخته اند.

در مصاحبه با ۵ مسئول کلاتتری های مستقر در مناطق حاشیه نشین اعلام گردیده که ۳۹ درصد از اختلافات خانوادگی توام با ایراد ضرب و جرح زوجین در محیط خانواده، ۸۴ درصد بیماران روانی شدید و ۷۷ درصد جرایم خلاف اخلاق و ۳۴ درصد جرایم جنسی از نوع لواط و... ۶۵ درصد اعمال منافعی عفت و ۵۶ درصد نزاعهای دسته جمعی مربوط به حاشیه نشینان بوده است و ۶۴ درصد از معتادان شهر سنندج از مناطق حاشیه نشین می باشند.

۵- حاشیه نشینی و امنیت اجتماعی

یکی از پیامدهای نامطلوب حاشیه نشینی، پایین آمدن ضریب امنیت اجتماعی در شهرها است. پایین بودن سطح سواد مهاجرین، فرهنگی سستی، فقدان مشاغل تخصصی در مقابل مشاغل هم چون دستفروشی، کوپن فروشی، فروش مواد مخدر، فروش مشروبات الکلی، دزدی، جنایت، فحشا و گسترش بیماری های اپیدمی مانند ایدز و... همه این موارد به نوعی در فضای حاشیه نشین وجود دارد. این امر به ظاهر مشکلات مناطق حاشیه شهر پنداشته می شود اما به نوعی این افراد بیکار که دست غالب آنها آلوده به رفتارهای شکنجه و هنجار شکنی هستند کل فضای شهری را نا امن کرده و از جنبه اقتصادی و اجتماعی موجب بگاریگری نیروهای کاردان در برابر هنجارشکنان و ایجاد فضایی برای نگهداری آنها از یک طرف و اعمال حرکات و رفتارهای نامطلوب در سطح گسترده نه تنها امنیت اجتماعی مردم

معضل اقتصادی باشد یک مشکل انسانی است. امروزه ما شاهد این هستیم که پدیده حاشیه نشینی نه تنها در شهرهای بزرگ مشکل آفرین شده بلکه در سطح شهرهای میانی مشکلات برنامه ریزی شهری و امنیت اجتماعی شهرها را دو چندان کرده اند.

آنچه حاشیه نشینی را به فاجعه تبدیل می کند محدودیت های طبیعی نیست بلکه فقدان برنامه ریزی منطقی انسان در برخورد با محیط است که آن را به یک فاجعه ملی یا منطقه ای تبدیل می کند

اساساً حاشیه نشینان سندج از مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی پایینی برخوردارند و از خدمات ارائه شده در این محلات به هیچ وجه راضی نیستند. با توجه به گسترش فقر و بیکاری در میان حاشیه نشینان سندج، آنها بیشتر در معرض آسیب های اجتماعی قرار گرفته اند، آنان مسائل و مشکلات زیادی دارند که لازم است مسئولان در رفع و حل این مشکلات اقدامات جدی نمایند و به خواسته ها و نیازهای ساکنان این مناطق، به عنوان شهروند توجه نمایند. زیرا، فقر فرهنگی و مشکلات مالی ساکنان این مناطق و در حاشیه بودن آنها از یک سو و دیدن زندگی شهرنشینی که از امکانات زندگی امروزی بهره مند هستند از سوی دیگر، سبب ایجاد نارضایتی عمیق در بین این بخش از قشرهای جامعه می شود و این امر گاه می تواند همچون بشکه باروت برای ایجاد آشوب های اجتماعی عمل کند. زیرا تداوم فقر و فلاکت بینوایان بدون واکنش سیاسی نخواهد بود و خشونت های جنایت آمیز را افزایش می دهد. بنابراین جهت بهسازی و نوسازی سکونتگاه های حاشیه نشینان سندج لازم است اولین

گام مشارکت آنها در برنامه های بهسازی و اعطای وام های کم بهره و طولانی مدت به منظور ساخت و ساز مسکن براساس اصول و ضوابط فنی، زیرا باور بر آن است که حاشیه نشینان سندج از منابع مالی ضعیفی برخوردارند.

منابع و مآخذ

- ۱- احمدی، حبیب الله و محمد تقی ایمان؛ فرهنگ فقر، حاشیه نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه نشین ده پیاله شیراز مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان سال نوزدهم شماره ۲، ۱۳۸۴.
- ۲- ابراهیم زاده و همکاران، حاشیه نشینی، ناهنجاری های شهری و راهکارهای تعدیل آن، مجله جغرافیا و توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم، شماره ۳ بهار و تابستان، ۱۳۸۵.
- ۳- بیات، بهرام؛ بررسی پدیده حاشیه نشینی در استان تهران، فصلنامه تخصصی کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، تهران، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، شماره اول.
- ۴- بیانلو، یوسف؛ بررسی رابطه عوامل جمعیت شناختی و شرایط بوم شناختی با نوع جرم و نرخ جرم در شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۸۵.
- ۵- بریمانی، فرامرز؛ نصیری، یوسف؛ مجله جغرافیا و توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم، شماره ۳ بهار و تابستان، ۱۳۸۳.
- ۶- بهرامی، رحمت اله؛ ساماندهی سکونتگاه های روستایی (شهرستان سندج) رساله دوره دکتری؛ دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۳.
- ۷- پارسا پژوه، سپیده، نگرشی از درون به پدیده حاشیه نشینی (مطالعه موردی اسلام آباد کرج)، تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم شماره ۶، ۱۳۸۳.

۱۹- گزارش اقتصادی - اجتماعی، ۱۳۸۲، سازمان

مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان، ۱۳۸۲.

۲۰- مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن

جمعیت شهرستان سنندج، ۱۳۸۵.

۲۱- محمودی، محمد؛ حاشیه‌نشینان تفتقان، ناشر

استاندارداری کردستان، ۱۳۷۲.

۲۲- مافی، عزت‌الله؛ مهاجرت و رابطه آن با

بزهکاری، فصلنامه جمعیت، سال هشتم، شماره ۲۸ و ۲۹،

۱۳۷۸.

23- Clinard, Marshal. B, Slum and Community Development, The free Press, New York, 2001.

24- Park, Robert E, Human migration and marginal man, American Journal of sociology. Vol. 33, 2002.

۸- پیران، پرویز؛ شهرنشینی شتابان و ناهمگون؛ مجله

سیاسی اقتصادی، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۶۶.

۹- پیری، عیسی؛ امکان سنجی به کارگیری راهبرد

توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی، پایان نامه

کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، مشهد دانشگاه فردوسی

مشهد، ۱۳۸۴.

۱۰- درستی، امیرعلی و همکاران؛ آسیب پذیری پیرامون

شهرها، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

شوشتر، ۱۳۸۵.

۱۱- دلیرزاده، حسین؛ حاشیه‌نشینی در جستجوی مفهوم

و معنی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴۵ و ۴۶،

سال پنجم، ۱۳۶۱.

۱۲- ربانی، رسول، افشار کهن، جواد؛ حاشیه نشینی و

مشارکت، فرهنگ اصفهان، شماره ۳۴، ۱۳۸۱.

۱۳- زاهدنی؛ سید سعید زاهد؛ حاشیه نشینی، شیراز،

دانشگاه شیراز، ۱۳۶۹.

۱۴- شیخی، محمد؛ فرایند شکل گیری و دگرگونی

سکونتگاههای خودرو و پیرامون کلان شهر تهران، ۱۳۸۱.

۱۵- شکویی، حسین؛ حاشیه‌نشینان شهر تبریز،

تبریزی، موسسه تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه

تبریز، ۱۳۵۴.

۱۶- فرهودی، رحمت‌الله؛ اطلس شیب ایران،

پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۲۹، سال بیست و چهارم،

تهران، ۱۳۷۱.

۱۷- کرامتی، مهدی؛ بررسی میزان احساس امنیت در

بین حاشیه‌نشینان شهرستانهای استان تهران، فصلنامه

تخصصی کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، تهران، معاونت

اجتماعی نیروی انتظامی، شماره اول، ۱۳۸۴.

۱۸- کریمی، فاطمه؛ بررسی مسائل شهری با تاکید بر

جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی منطقه ارزنان ودارک، پایان نامه

کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و

علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲.